

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۳۴۵۸۰۰۷

E_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان

تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

E_mail:

abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت

www.m_hekmat.com

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۸ خرداد ۱۳۸۷، ۲۸ می ۲۰۰۸

سر دبیره: منصور فرزاد mansoorfarzad@yahoo.se



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

ایسکرا ۴۱۶



محمد آسنگران

نگاهی به موقعیت احزاب در کردستان ایران و تحولات پیش رو مورد: حزب دمکرات کردستان ایران (۳)

اهداف و سیاستهای متفاوتی ترسیم میشود. این اهداف و سیاستها طبعاً از منافع طبقاتی متفاوتی نشأت میگیرند. بنابر این احزاب و جریانات معینی گرایشات چپ و راست در جامعه کردستان را نمایندگی میکنند. در کردستان مثل هر جامعه مدرن دیگری، جنبشهای اجتماعی، سنتهای سیاسی و احزاب مختلفی را از خود بیرون داده اند. بنابر این برای پرداختن به احزاب، خارج از آنچه که در مورد خود میگویند باید با توجه به سنت و جنبشی که از آن منبعث شده و به تبع منافع مادی و طبقاتی

صفحه ۳



عبدال گلپریان

مصاحبه ایسکرا با عبدال گلپریان در مورد لغو احکام کارگران اول مه و آزادی شیث امانی از زندان

ایسکرا: چنانکه مطلع هستید هفته گذشته شاهد خبرهای خوبی بودیم از جمله لغو احکام کارگران عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران که به جرمه، شلاق و زندان محکوم شده بودند و متعاقب آن آزادی شیث امانی در روز یکشنبه از زندان که بدنبال مذاکره صدیق کریمی یکی از اعضای هیئت مدیره اتحاد آزاد کارگران و بعنوان نماینده کارگران با شاهرودی رئیس قوه قضائیه، احکام چند تن از فعالین کارگری که در اول ماه مه دستگیر و زندانی شده بودند، لغو گردید. اولین سئوال این

صفحه ۲

شیث امانی یکی از رهبران کارگری این شهر آزاد شد

بر اساس خبری که اتحادیه آزاد کارگران در سایت خود منتشر کرده است شیث امانی یکی از رهبران کارگری سنندج امروز ۲۵ مه ۲۰۰۸ ساعت ۱۴ به وقت محلی از زندان آزاد شد. این کارگر زندانی هنگامیکه از زندان بیرون آمد مورد استقبال گرم همکاران و دوستانش در اتحادیه قرار گرفت. آزادی شیث امانی و لغو احکام زندان و شلاق و جرمه کارگران در نتیجه فعالیتی بود که فعالین کارگری و مردم آزادیخواه سنندج در یک سال اخیر

متوجه اعتراض وسیع و نفرت عمیق مردم از رژیم شدند. شیث امانی یکی از کارگران بازداشتی اول مه پارسال بود که به دنبال تصمیم دادگاه تجدید نظر حکم ۶ ماه زندان گرفته بود. حکمش ۳۳ روز قبل به اجرا گذاشته شد و این مدت در زندان مرکزی سنندج بسر برد.

اما به دنبال تلاش موفقیت آمیز کارگران و مردم سنندج احکام

صفحه ۴

یک پیروزی مهم برای کارگران و مردم سنندج

اعتراض شدید مردم سنندج و خانواده های زندانیان به شاهرودی احکام شلاق و زندان کارگران بازداشتی اول مه پارسال سنندج لغو شد

شاهرودی را قطع و مسجد جامع را به میدانی برای افشای سیاستهای رژیم اسلامی تبدیل کردند. مردم خواهان آزادی زندانیان سیاسی و فعالین کارگری شدند.

به دنبال این اعتراض شدید مردم سنندج، صدیق کریمی یکی از رهبران اتحادیه آزاد کارگران ایران با شاهرودی دیدار و خواهان لغو احکام

صفحه ۵

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

۱۴/۱ مصاحبه با عبدال گلپریان

محاکمه مهره های رژیم نظیر شاهرودی تبدیل کردند تبریک بگویم

قبول و پذیرش این مذاکره توسط شاهرودی بعنوان رئیس قوه قضائیه در واقع برسمیت شناختن قدرت متشکل کارگران و اعتراض و مبارزه آنان بود اما نمی توان تنها به این بسنده کرد. در کنار این نیز باید به تلاشهای کارگران در سطح بین المللی و همچنین رسوا نمودن شاهرودی در مسجد جامع و توسط مردم مبارز سنندج اشاره کرد. مجموعه این اقدامات در سطح وسیعتری می تواند هر رئیس جنایتکاری در حکومت اسلامی را نه تنها به قبول مذاکره بلکه می تواند به پذیرش در لغو احکام ضد کارگری و آزادی کارگران زندانی و فراتر از اینها وادار نماید.

برای هر کسی که به نحوی از انحاء ضریبات رژیم را بر پیکر خود چه در زندان و چه در بیرون از زندان و فلاکت تحمیل شده رژیم را بر زندگی خود حس کرده است، واضح است که در مقابل هر گونه تعرض و دست درازی رژیم اسلامی، کارفرما و سرمایه دارانش به زندگی مردم، بدون اعتراض و مبارزه و بدون ایجاد صفا متحد و متشکل چنین موفقیتهایی ممکن نیست. لغو احکام کارگران به جرم برگزاری اول مه و آزادی شیث امانی از زندان را می توان در اتحاد و همبستگی کارگران که به مبارزه برای تحقق خواستههایشان تلاش می کنند و تلاش در جلب همبستگی و حمایت جهانی دید. اینها توانست لغو احکام کارگران اول مه را به مسئول قوه قضائیه تحمیل کند. این موفقیت قطعا در کارنامه مبارزاتی طبقه کارگر ایران ثبت خواهد شد.

ایسکرا: بعد از اینکه کارگران از زندان آزاد شدند و به میان خانواده و دوستان خود

برگشتند شور و شوق زایدالوصفی در میان مردم بوجود آمد و در واقع پیروزی بزرگی برای کارگران بود، آیا امکان دارد که جمهوری اسلامی دست به عکس العملی بزند. کلا اوضاع را در این رابطه چگونه میبینید؟

عبدال گلپریان: قطعا این خبرها خوشحال کننده است. خوشحال کننده از این رو که یک حکومت هار و ضد کارگری و کلا ضد بشری، در مقابل حرکت و اعتراض کارگران و مردم ناچار به عقب نشینی میشود. خوشحال کننده از این رو که طبقه کارگر با چنین آزمونی در مبارزه خود برای کسب حقوق پایمال شده اش و برای رهایی همکارنش از چنگال این حکومت، درسها و تجارب گرانبهایی از همبستگی را به کارنامه مبارزاتی خود می افزاید و بلاخره خوشحال کننده از این رو که خانواده ها و فرزندان کارگران زندانی و یا محکوم به شلاق و جریمه، بار دیگر شاهد در آغوش کشیدن عزیزانشان هستند و شاهد این خواهند بود که دم و دستگاه سرکوب رژیم اسلامی در مقابل این همبستگی و این اتحاد، ناتوان از تداوم زندان و شلاق زدن و تحقیر و بی احترامی به کارگران بود. در این شکی نیست که هر گاه دشمن کارگران در یک جدال و کشمکش طبقاتی می بازد و ناچار به مذاکره می شود، عکس العمل ویژه ای که بخواید این شکست را تلافی کند شاید چندین موضوعیت نداشته باشد. اما از طرفی این حکومت و دم و دستگاه سرکوبش بدون هیچ عذر و بهانه ای روزانه دارد به سطح معیشت زندگی مردم، به برگزاری اول مه و به هر نرم متعارفی در زندگی مردم حمله می کند، زندانی می کند و پاپوش درست می کند که در مقابل خود، اعتراض و اعتصاب و جاده بستنهای هر روزه را دریافت می کند. کسی در این کوچکترین تردیدی ندارد که حکومت اسلامی تا مغز استخوانش حکومتی ضد کارگری

و ضد بشری است. اما نباید این را فراموش کرد که لغو احکام شلاق و زندان کارگران و آزادی شیث امانی دیگر قابل بازگشت به گذشته نیست. تمامی سازمانها و نهادهای کارگری که هر یک در تحقق این موفقیت سهیم و شریک بودند می دانند که رئیس مهمترین نهاد قضایی حکومت در مقابل فشارهای داخلی و خارجی ناچار به لغو این احکام شد که بازتاب اجتماعی این مسئله در فضای جامعه توقعات کارگران را بالا خواهد برد.

ایسکرا: به نظر شما این موفقیت و این پیروزی چه تاثیری بر روند مبارزات کارگران برای رسیدن به خواست و مطالباتشان و همچنین آزادی کارگران زندانی از جمله جوانمیر مرادی و طه آزادی و بقیه کارگران زندانی خواهد گذاشت؟ و اینکه آزادی کارگران در سنندج چه تاثیری در میان کارگران سراسر ایران خواهد داشت؟

عبدال گلپریان: قطعا که تاثیرات بر مراتب مثبت و مفیدی بر تلاش آنها برای کسب دیگر مطالباتشان و فعالیت برای رهایی دیگر کارگران زندانی خواهد گذاشت. همین یک قلم موفقیت بخوبی نشان می دهد که می توان توقعات و انتظارات بعدی را که حق طبیعی و ابتدایی و بی چون و چرای کارگران است بدست آورد. سه دهه از حاکمیت رژیم اسلامی عبارت بوده از پایین نگه داشتن توقعات کارگران و میلیونها نفر در آن جامعه و این را می دانند که با گردن نهادن به خواست معینی که با اعتراض و مبارزه متحد و یکدست کارگران به دولت و کارفرمایان تحمیل شده است، توقعات و دیگر حقوق پایمال شده کارگران به میدان خواهد آمد و از این وحشت دارند که خواست و مطالبات دیگر بعد از هر پیروزی مطرح شوند و این واقعی است. طبقه کارگر برای خلاصی از این وضع به یک موفقیت قانع نخواهد شد. نمونه هفته اخیر در موفقیت

و پیروزی کارگرانی که به احکام گوناگون و ضد بشری محکوم شده بودند نشان داد که اعتراض و مبارزه و ایستادگی متحدانه و یکپارچه، تنها ابزاری است که می تواند آنها را در دست یابی به مطالباتشان موفق سازد. این دستاورد حتما روحیه مبارزاتی کارگران را بالا خواهد برد. این دستاورد مجانی بدست نیامده است. برای رسیدن به آن زحمات زیادی از طرف مردم، کارگران و خانواده های کارگری و همچنین سازمانها و نهادهای کارگری در سطح بین المللی کشیده شده است. باید تلاش شود که این اتحاد و همبستگی تقویت شود. سوی آنها بطور یقین نیز تجارب و درسهای ارزنده ای را برای پیش برد و تداوم مبارزات کارگران برای بکرسی نشانند بسیاری از خواستها و مطالباتی که هم اکنون از آن محروم هستند در پی خواهد داشت. این موفقیت می تواند در ایجاد همبستگی و اتحاد در میان کارگران، باور داشتن به قدرت همبسته خود و گسترش دامنه نفوذ فعالیت و مبارزاتشان برای تحقق مطالبات هر روزه، موثر واقع شود. خوشبختانه بر بستر اعتراض و مبارزه مردم سنندج و تلاشهای خود کارگران، احکام شلاق و زندان بقیه کارگران اول مه سنندج لغو و شیث امانی از زندان آزاد شد اما هنوز جوانمیر مرادی و طه آزادی و تعدادی دیگر از فعالین کارگری در زندان هستند. این موفقیت را باید به سکوی پرشی برای آزادی دیگر کارگران زندانی تبدیل کرد. نباید به دستاوردی که با این همه تلاش بدست آمده است قانع و راضی بود. مبارزه طبقه کارگر برای تحقق تمام خواست و مطالباتشان نیازمند پیشروی است. در مورد تاثیر این پیروزی در سطح سراسری هم بدون تردید کارگران سراسر کشور که درگیر مبارزه ای هر روزه با کارفرما، سرمایه داران و دولت حامی آنها هستند در این موفقیت سهیم و شریک هستند. کسب هر خواست و مطالبه ای در هر گوشه

ای از کشور، بر مبارزات کارگران در جاهای دیگر در جسارت، روحیه و تعرض آنان برای دست یابی به خواستههایشان تاثیر بلاواسطه خواهد گذاشت.

ایسکرا: چه پیامی برای کارگران در این مقطع و بمناسبت این موفقیت دارید.

عبدال گلپریان: پیام من به تمامی کارگران در شهرهای کردستان این است که تلاش کنند خود را متشکل کنند. قدرت کارگران برای دست یابی به مطالباتش نیازمند متشکل بودن است. لغو احکام شلاق و زندان کارگران سنندج بدون اعتراض و مبارزه متحدانه ممکن نمیشد. باید طبقه کارگر به تشکل مبارزاتی خود بچسبد. به تنهایی و بطور متفرق نمیتوان به ناچیز ترین خواست دست یابی پیدا کرد. تاکید می کنم در اینجا لازم میدانم داشته باشم این است که کارگران برای تقویت و گسترده تر کردن مبارزات خود، نیازمند برگزاری مجامع عمومی منظم خود هستند. نباید ذره ای از آن غافل بود. اگر قبول داریم که کارگر بدون جمع شدن در زیر یک سقف که همانا تشکل، اتحاد و همبستگی اش است و نمی تواند بدون این به جایی برسد، به همین نسبت باید بپذیریم که ظرف و تشکل مبارزاتی کارگران نیازمند شور و مشورتهاش در مجمع عمومی های منظم خود است. برگزاری مجمع عمومی منظم حول مسائل و معضلات عدیده کارگران، تحرك و جان تازه ای را در سوخت و ساز و پیشبرد اهداف تشکل کارگری ایجاد می کند و به آن قدرت پیشروی می دهد، در مجامع عمومی کارگری و در هر نوبت از مجمع می توان بر سر دهها مسئله و معضل کارگری صحبت کرد، راه نشان داد، تصمیم گرفت و اقدامات عملی مبنی بر تصمیمات مجمع را به اجرا درآورد، و صفوف گسترده و متحدانه تری را ایجاد کرد.

.....

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید

مردم!

جمهوری اسلامی را عقب برانید! علیه رژیم اعدام و سنگسار و زندان در داخل و خارج کشور به میدان بیایید!

ادامه نگاهی به موقعیت احزاب در ...

اگر به تاریخ احزاب سیاسی در کردستان مراجعه کنیم اولین حزب مطرح در کردستان ایران حزب دمکرات کردستان ایران بوده است. این حزب با توجه به معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی در دوران جنگ جهانی دوم پا به عرصه سیاست می‌گذارد. رقابتهای جهانی و اختلاف بلوک شرق و غرب "فضایی باز" ایجاد کرده بود و در دل این فضا بود که این حزب به کمک بلوک شرق و مشخصاً شوروی آزمون پا گرفت. بعد از مدت کوتاهی این حزب در محدوده معینی در کردستان (مه‌آباد) توانست به قدرت برسد. حکومت ۱۱ ماهه قاضی محمد در مه‌آباد نه ناشی از قیام مردم کردستان بود و نه ناشی از قدرت توده‌ای حزب دمکرات کردستان ایران. قدرت گیری آنها در مه‌آباد ناشی از کمکهای ارتش شوروی در رقابت با بلوک غرب بود. بنابر این از همان ابتدا سنت استفاده از اختلافات دولتها و قدرتهای جهانی و عادت کردن به زندگی در شکاف دولتها، به یک سنت پایدار و اصلی برای این دسته از احزاب تبدیل شد.

توافق نامه‌ها باید زیر نفوذ انگلیس و آمریکا قرار میگرفت و ارتش روسیه طبق این توافقات بین‌المللی باید عقب‌نشینی میکرد. همین اتفاق باعث شد که حکومتهای محلی کردستان و آذربایجان بدون پشتوانه بشوند. دلیل شکست حاکمیت قاضی محمد در کردستان و پیشه‌وری در آذربایجان اساساً همین فاکتور بود. آنها در مقابل ارتش مرکزی و توافق قدرتهای جهانی نتوانستند روی پای خود ایستادگی کنند.

در کردستان، شکست حزب دمکرات کردستان ایران به رهبری قاضی محمد و همراهی ملا مصطفی بارزانی با او، هنگامی مسجل شد که توده مردم تحت ستم آن مناطق تمایلی به حفظ آن حکومت نداشتند. زیرا آن حکومت هیچ تغییری در زندگی مردم ایجاد نکرده و قرار هم نبود تغییری ایجاد شود. زیرا فتوآلها و خانها به همراه روحانیون قدرت اصلی در آن حکومت بودند. دهقان و مالک مناسباتشان همان بود که در زمان حاکمیت رضا شاه و قبل از حاکمیت قاضی محمد وجود داشت.

با این وجود روشنفکران، تحصیلکردگان و معترضین در کردستان برای مقابله با ستمگری دولتهای مرکزی تنها روشی که میشناختند اتکا به این تاریخ و سنتهای عقب‌مانده و عشایری بود. این سنتهای تاریخی در جامعه و زورگیری دولت مرکزی گرایش را دام زده بود که رهبران بعدی حزب دمکرات و کلاً ناسیونالیستهای کرد برای سهیم شدن در قدرت راهی بجز گسترش نفوذ ناسیونالیسم کرد و رقابت با ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی در پیش نرفتند. زنده شدن حزب دمکرات بعد از قیام سال ۵۷ ناشی از همین زمینه سیاسی و تاریخی بود.

اما سنتهای قدیمتر اعتراض عشایر و مالکان و حاکمان محلی در کردستان جایگاه اسلحه و جنگ و مبارزه مسلحانه را به عنوان یک سنت شناخته شده اعتراض برجسته کرده بود. برای مثال عشایر سرکشی مانند سمکو یا سمیتقوکه از یک

موضع ارتجاعی در مقابل جنبش مشروطیت و مشروطه طلبان دست به اسلحه برده بود و با کمک دولت عثمانی تعداد قابل توجهی از مشروطه طلبان آن دوره را قتل عام کرده بود از جانب حزب دمکرات کردستان به عنوان یک شخصیت اسطوره‌ای جنبش ناسیونالیستی همواره تقدیس شده است. بعد از تجربه حکومت ۱۱ ماهه مه‌آباد قاضی محمد هم به اسطوره‌های ناسیونالیستها اضافه شد. در حالیکه هیچکدام از آنها جایگاهی در رشد و تمدن و پیشرفت جامعه نداشتند. واقعیت این است به نسبت نظامهای حاکم، این اسطوره‌ها حتی عقب‌مانده تر از تاریخ دوران خود بوده‌اند. مثلاً اگر مشروطه خواهان میخواستند فرهنگ و قوانین بورژوازی در مقابل ملوک الطوائف خانها و استبداد شاهان را به ارمغان بیاورند، سمکو برای حفظ حکومت خانخانی و ملوک الطوائفی خود با آنها می‌جنگید و از عثمانیها کمک میگرفت. اگر قاضی محمد خواهان ادامه حکومت فتوآلها، روحانیون و خانها بود و مناسبات فتوآلی را مقدس میدانست، محمد رضا پهلوی به کمک انگلیس و آمریکا میخواست موانع رشد سرمایه داری را با استبداد خشن کنار بزند. این مقاومتها تنها در شمال کردستان نبوده است واقعیت این است که سرود "دایه دایه وقت جنگ است" نمونه‌ای از احساس مقاومت و تشویق به مبارزه مسلحانه در مقابل رشد سرمایه داری و حفظ مناسبات ملوک الطوائفی خانها و فتوآلها است. به همین دلیل در سراسر ایران این نوع مقاومت را در آن دوره شاهد هستیم. زمینه قدرت گیری قاضی محمد هم ناشی از تلاش برای حفظ همین مناسبات پیشا سرمایه داری بود. جان سختی وجود فرهنگ عقب مانده و عشایری در کنار فرهنگ بورژوازی در صفوف حزب دمکرات کردستان از همین سنت دیرینه ناشی میشود.

حزب دمکرات کردستان ایران بعد از سال ۵۷ ترکیب رهبری حزب دمکرات کردستان ایران سنتاً ترکیبی از عشایر و فتوآلها و مالکان بوده

است. حتی تحصیلکردگانی که در رهبری حزب دمکرات قرار گرفته‌اند اساساً از طبقات دارا و از سنتهای عشایری و ناسیونالیستی پیروی کرده‌اند. اما با تحولات تاریخی که در جامعه ایران پیش آمد و در نتیجه این تحولات تسلط مناسبات تولیدی سرمایه داری به یک واقعیت داده شده تبدیل شد، حزب دمکرات کردستان هم توانست هر چند کند اما به مرور خود را به عنوان حزب سرمایه داران کرد تعریف کند.

این حزب همیشه خود را به یک بلوک جهانی مرتبط کرده است. در چند سال اخیر گرایش به قوم‌گرایی در این حزب تقویت شده است. تاریخ حزب دمکرات و حتی تاریخ شکل گیری آن اینرا به ما میگوید که این حزب همیشه همراه با سیاست قدرتهای منطقه‌ای و جهانی تغییر سیاست داده است. یک فاکتور مهم برای نهادینه شدن چنین سنتی در حزب دمکرات این بود که این حزب ابتدا با کمک شوروی متحزب شد و به قدرت رسیده بود. این حزب همیشه خود را حزبی با متحدان جهانی تعریف کرده و اتکایش به آنها بوده است. این یک سنت دیرینه و دائمی است که احزاب بورژوازی اتکا به قدرتهای منطقه‌ای و جهانی را تنها راه پیروزی خود میدانند.

یکی از نمونه‌های تغییر سیاست این حزب و تغییر مکان از یک بلوک به بلوک دیگر این بود که نشریات آنها همیشه یک شعار ثابت "مرگ بر امپریالیسم"، "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" و... را در پایین صفحات خود درج میکرد. متد "ضد امپریالیستی" و هم‌خوانی با جنبش ملی اسلامی نقطه اشتراك همه جریانات چپ سنتی، جریانات اسلامی و احزاب ناسیونالیستی اپوزیسیون رژیم سلطنتی بود. اما در پایبندی میسینیم که چگونه این شعارها غیب میشوند و همین حزب دمکرات مدافع سیاستهای آمریکا میشود.

گرایش سیاسی و فکری رهبری حزب دمکرات کردستان ایران در ابتدای به قدرت رسیدن اسلام سیاسی به رهبری خمینی در ایران بعد از انقلاب سال ۵۷، این بود که با حکومت تازه به قدرت رسیده

بسازد. قاسم‌لو شخصیت کاریسماتیک و دیگرهبران این حزب و جنبش ناسیونالیستی کرد برای ملاقات و به توافق رسیدن با خمینی هیچ شکلی به خود راه ندادند. خمینی را "امام خمینی رهبر انقلاب ایران" خطاب میکردند و اعلام وفاداری کردند که با او هیچ اختلافی ندارند به جز اینکه استدعا دارند که "حق کردها" را به رسمیت بشناسد.

معلوم بود که "کلمه رمز" حق کردها" برای حزب دمکرات و بورژوازی کرد به معنی تقاضای شریک شدن در قدرت و سهمی بردن از نتایج قدرت گیری اسلام سیاسی بود. به همین دلیل فرستنده رادیوی آنها در اوایل دهه ۶۰ شمسی از آن هنگام تا به امروز برنامه‌های خود را با "آیاتی از قرآن مجید" شروع میکند! این حزب هیچ وقت حتی خود را یک حزب سکولار تعریف نکرده است. یکی از انتقادات این حزب به کمونیستها همیشه این بوده است که چرا مذهب را نقد میکنند. تحت عنوان "احترام به مذهب و اعتقادات مردم" حزب دمکرات همیشه خود را مدافع اسلام و بعضاً مذهب سنی تعریف کرده است. در چنین فضایی که ناسیونالیسم کرد فراهم کرده است بعضاً احزاب "چپ" از جمله کومله هم از این ترم "احترام به اعتقادات توده‌ها" استفاده کرده‌اند. (بویژه بعد از جدایی کمونیسم کارگری از حزب کمونیست ایران هیچ وقت نخواسته‌اند بدون ملاحظه منتقد مذهب باشند.)

اما بعد از کنگره چهارم حزب دمکرات کردستان ایران و انشعاب کسانی که خود را متعلق به سنت حزب توده و مدافع بی چون چرای جنبش ملی اسلامی و خمینی میدانستند، گرایش به بلوک غرب در این حزب تقویت شد.

از این تاریخ به بعد حزب دمکرات کردستان ایران به مرور به احزاب سوسیال دمکراسی در اروپا نزدیک شد و هر سال گزارشی از شرکت رهبران خود در کنگره‌های جهانی این احزاب منتشر میکرد. این حزب به مرور شعارهای "ضد امپریالیستی" را از پای نشریاتش حذف کرد و مسیر نزدیکی به

آمریکا را آغاز نمود.

در عین حال حزب دمکرات کردستان ایران هیچ وقت فراموش نکرد که راه مذاکره و سازش با رهبران جمهوری اسلامی را مزمزه کند. البته رهبران جمهوری اسلامی از این تمایل حزب دمکرات استفاده کرده و دو نفر از رهبران اصلی آنرا ترور کردند. قاسملو در وین و شرفکندی در برلین در راه مذاکره و مصالحه با جمهوری اسلامی و در راستای سیاستهای این حزب برای رسیدن به توافق با رژیم اسلامی قربانی شدند. علاوه به اینها تعداد قابل توجهی از مسولین محلی این حزب در همین راستا و در راه ملاقات با مقامات محلی رژیم اسلامی قربانی شدند. اما علیرغم این تلاشها حزب دمکرات کردستان ایران همچنان خود را وابسته به یک بلوک جهانی تعریف کرده است.

در ضمن لازم به یاد آوری است که شعار اصلی حزب دمکرات "دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" به منظور محدود نگهداشتن اعتراضات مردم کردستان در همان چهار چوب خودمختاری طلبانه و همکاری و نزدیکی با ناسیونالیسم ایرانی تعیین شده بود. بعد از جواب رد جمهوری اسلامی به درخواست این حزب، آنها ناچار شدند که خود را به جریانات ناسیونالیسم ایرانی نزدیک کنند. اتحاد عملها و ائتلافهای حزب دمکرات کردستان ایران با سازمان مجاهدین خلق، بنی صدر و بعدا راه کارگر و سازمان اکثریت و اتحاد فدائیان و... در این راستا بود. نزدیکی چند سال اخیر این حزب با سلطنت طلبان و ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی هم در چهار چوب نزدیکی این حزب به آمریکا قابل توضیح است. زیرا ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و بویژه طیف های سلنت طلب بدون کمک آمریکا هیچ افقی برای پیروزی در مقابل خود ندارند. به همین دلیل از میان گرایشات و سنتهای سیاسی اپوزیسیون ایرانی طیف سلطنت طلب متحد سنتی آمریکا محسوب میشوند. حزب دمکرات هم در

همین راستا اول نزدیکی با سلطنت طلبان را آغاز کرد که به نزدیکی بیشتری به آمریکا برسد. همچنانکه میبینیم متعاقبا مناسبات سازمان زحمتکشان با ناسیونالیستهای عظمت طلب و سلطنت طلب هم از همین راه رفته است.

اما بعد از حمله آمریکا به عراق و سرنگونی صدام حسین که احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق به نان و نوایی رسیدند، گرایش حزب دمکرات کردستان به قومپرستی و قومپرستی شدت گرفت. تغییر شعار قدیمی "دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" به "فدرالیسم قومی" تغییرات محسوس در سبک و سیاست آنها محسوب میشود. از این مقطع حزب دمکرات و همه احزاب سنتی ناسیونالیست کرد در منطقه بعلاوه جریانات حاشیه ای و قومپرستی همچون سازمان زحمتکشان و... همگی شعار فدرالیسم قومی را به منظور منطبق کردن خود با سیاستهای آمریکا در منطقه برگزیدند.

همه این جریانات چند سالی تلاش کردند که آمریکا آنها را طرف معامله خود در کردستان بحساب بیاورد. این تلاش البته همچنان ادامه دارد. اما با تغییر سیاستهای آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی و روی آوری به مذاکره و مصالحه که در پی شکستش در عراق ناچار به اتخاذ آن شده بود، کل این طیف امیدوار به آمریکا را دچار بحران کرد.

ناسیونالیستهای کرد آنچنان امید خود را به آمریکا گره زده بودند که با اولین نشانه های تغییر رفتار آمریکا در قبال جمهوری اسلامی همه اینها دچار بحران شدند. حزب دمکرات کردستان ایران از جمله آن احزابی است که انشعاب بزرگی آنرا به دو تیکه اصلی تقسیم و تلفات زیادی به آن تحمیل کرد. چنانچه هم اکنون بخش انشعابی برای توجیه سیاستهای خود تمام امید به آمریکا و سیاست انتظار این حزب به حمله آمریکا به ایران را متوجه بخش باقیمانده میکند. بخش انشعابی کلمه پسوند "ایران" را از اسم خود

برداشته است. و اکنون به اسم "حزب دمکرات کردستان" فعالیت میکند.

به دنبال این تحولات بخش باقیمانده هیچ راهی به جز ادامه انتظار به تشدید اختلافات آمریکا و جمهوری اسلامی برای نجات خود از این اوضاع نمی بینند. اما بخش انشعابی با حذف پسوند "ایران" از اسم خود بیش از پیش به قومگرایی و ناسیونالیسم محلی تمایل نشان داده است. با این حال بخش انشعابی با مشاهده برجستگی "چپ" در جامعه کردستان، به شعار کهنه "سوسیالیسم دمکراتیک" بازگشته است. این شعار اولین بار از جانب قاسملو در جزوه ای به اسم "بحثی کوتاه درباره سوسیالیسم" در اوایل دهه ۶۰ شمسی مطرح شد. آن هنگام که این بحث در حزب دمکرات امکان طرح شدن پیدا کرد، مترادف بود با تحولاتی که بعد از کنگره چهارم این حزب بوجود آمده بود. انشعاب غنی بلوریان و همراهانش در کنگره چهارم این حزب و گرایش آنها به حزب توده ایران امکان گرایش حزب دمکرات کردستان ایران به سوسیال دمکراسی اروپا را فراهم کرده بود.

اما اکنون بازگشت شعار "سوسیالیسم دمکراتیک" در کنار شعار فدرالیسم، نه برای نزدیکی به چپ و یا احزاب سوسیال دمکرات، بلکه در نتیجه فشاری اجتماعی چپ در کردستان است. قدرت چپ در جامعه پایه های حزب دمکرات کردستان ایران را سست کرده است. بخش انشعابی به دلیل نفوذ و قدرت چپ در جامعه ناچار شده است که این شعار را برگرداند. طرح این شعار در شرایط امروزی برعکس دوران قبل برای توضیح فاصله گرفتن از بلوک شرق و نزدیکی به غرب نیست. بلکه فشار و نفوذ کمونیسم در جامعه را منعکس میکند. زیرا اینها همانقدر به چپ نزدیک هستند که پ.ک.ک. و پژاک! توضیحات خودشان در مورد سوسیالیسم دمکراتیک جالب و خواندنی است. آنها میگویند سرمایه داری را نمیشود حذف کرد، اما باید آنرا کنترل کرد. بازار آزاد کنترل شده

برای حزب دمکرات به معنی سوسیالیسم دمکراتیک است. زیرا در مقابل "اقتصاد برنامه ریزی شده" که ما آنرا سرمایه داری دولتی میگوییم و ماهیتا هیچ تفاوتی با اقتصاد بازار آزاد ندارد، حزب دمکرات کردستان ایده اقتصاد بازار آزاد کنترل شده را قرار داد. حزب دمکرات کردستان با این سیاست حدود سه دهه از قاسملو و یک دوره تاریخی طولانیتری از جامعه عقب است. هنگامیکه سوسیال دمکراسی و دولت رفاه در اروپا به پایان عمر خودش رسیده و در مقابل جناح راست بورژوازی عقب نشست است و از تئوری و سیاست دولت رفاه خبری نیست و هنگامیکه مدافعین قبلی این سیاستها اکنون مدافع سر سخت سیاستهای بانک جهانی و ریاضت اقتصادی هستند ادا و اتوار حزب دمکرات با شعار سوسیالیسم دمکراتیک و کنترل سرمایه داری بازار آزاد و... بیشتر به شوخی شبیه است.

با این تحولات احزابی که به اسم حزب دمکرات کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران فعالیت میکنند، هر دو در یک تنگنای تاریخی و تعیین کننده قرار گرفته اند. زیرا آنها از یک طرف سیر رو به افول نفوذ اجتماعی خود را در جامعه و حتی در درون جنبش ناسیونالیستی متوجه شده اند و از طرف دیگر می بینند که جنبش سوسیالیستی در کردستان بیش از پیش در جامعه مورد استقبال قرار میگیرد. این شرایط تناقض خرد کننده ای برای احزاب مذکور ایجاد کرده است. آنها نه شانس اینرا دارند که در جامعه جلو رشد چپ را بگیرند و نه میتوانند از دست رقبای ناسیونالیست شان خلاص شوند. زیرا تا آنجا که به جنبش چپ و سوسیالیستی مربوط است، کمونیسم کارگری به عنوان یک جنبش اجتماعی و حزب کمونیست کارگری به عنوان بخش متحزب آن، اکنون به پدیده ای جدی و در راس بسیاری از مبارزات جاری در جامعه قرار گرفته است. بخش میلیتانت ناسیونالیسم کرد به دلیل بی کفایتی

رهبری جنبش ناسیونالیستی از جانب این حزب به پژاک تمایل نشان داده است. تناقض شعار "سوسیالیسم دمکراتیک" و حذف اسم ایران از اسم بخش انشعابی، از این تناقض عینی سرچشمه میگیرد. زیرا حزب دمکرات کردستان، با حذف اسم ایران در پسوند اسمش قومپرستی بیشتری را به جنبش خود گوشزد میکند و با شعار سوسیالیسم دمکراتیک به عنوان اهداف نهایی خود چپ جامعه را میخواهد خطاب کند.

اما هر دو حزب دمکرات بطور واقعی استراتژی قدرت گیریشان با اتکا به آمریکا شکست خورده است و چاره ای ندارند بجز نشستن در اتاق انتظار، تا شاید دور دیگری از اختلافات آمریکا و جمهوری اسلامی تشدید شود. بنابر این منافع این احزاب هیچ ارتباطی با منافع مردم ندارد. حقیقت این است که در شرایط معمولی و بدون جنگ و خونریزی این احزاب کمترین شانس برای نزدیک شدن به قدرت را دارند.

.....

۴۱/۱۱ شیت امانی یکی از...

زندان و شلاق کارگران لغو و شیت امانی هم آزاد شد. ما این موفقیت را به همه کارگران و مردم آزادیخواه و همچنین اتحادیه آزاد کارگران تبریک میگوییم. ما همچنین آزادی شیت امانی را به همه دوستان و اعضا خانواده اش تبریک میگوییم. آزادی این فعال خوشنام کارگران سنجند را باید جشن گرفت و با دسته های گل از او استقبال کرد.

کمیته کردستان حزب همه کارگران و مردم آزادیخواه را فرامیخواند که برای آزادی جوانمیر مرادی، طه آزادی و منصور اسانلو از فعالین کارگری که هنوز در زندان هستند و همه زندانیان سیاسی اعتراضات خود را گسترش دهند.

کمیته کردستان حزب
کمونیست کارگری ایران
۲۵ مه ۲۰۰۸

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

یک پیروزی ...

صادره علیه کارگران بازداشتی اول مه پارسال شد. اتحادیه آزاد کارگران ایران در مورد این دیدار چنین گزارش داده است: "با پیگیریهای اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در سنندج و تلاش دو روزه آنان، امروز صدیق کریمی به نمایندگی از طرف تمامی کارگران بازداشت شده در اول ماه مه سال گذشته، موفق به دیدار با آیت الله شاهرودی شد. در این دیدار پس از صحبت‌های صدیق کریمی، معاون آیت الله شاهرودی نامه ای را جهت بررسی مجدد

پرونده به دادگاه تجدید نظر استان کردستان نوشت که صدیق کریمی آنرا قبول نکرد و مجدداً شروع به صحبت نمود که پس از پایان صحبت‌هایش، آیت الله شاهرودی بطور مکتوب دستور لغو احکام تمامی کارگران بازداشت شده در اول ماه مه سنندج را صادر کرد. لازم به یادآوری است که در جریان اعتراض مردم سنندج و خانواده های زندانیان، نیروهای انتظامی و نیروهای حفاظت از شاهرودی در مقابل نفرت و اعتراض مدام مردم دست و پای خود را گم کرده و دچار سراسیمه شده بودند. چندین بار سخنرانی شاهرودی با صدای

اعتراض مردم قطع و خانواده ها با در دست داشتن عکس زندانیان خواهان آزادی آنها شدند. "البرز" یکی از سایت‌های وابسته به رژیم اسلامی در این مورد چنین نوشته است:

"تعدادی از خانواده محکومین که گفته میشد برخی از اعضای خانواده آنها بدلیل فعالیت براندازانه علیه نظام در زندان بسر میبرند سعی فراوانی برای برهم زدن جلسه مینمودند که بخاطر حفظ نظم عمومی جلسه با همکاری نیروی انتظامی به بیرون هدایت شدند. *تعدادی از شرکت کنندگان در مراسم سخنرانی رییس قوه قضاییه در مسجد جامع سنندج هرازگاهی با هیاهو و داد و فریاد سعی در قطع سخنرانی آیت الله هاشمی شاهرودی داشتند. برخی از ناراضیان حاضر

در مسجد عملاً با ایجاد سروصدا سعی داشتند مامورین حفاظت آیت الله شاهرودی را باواکنش مواجه ساخته و عملاً درگیر نمایند. تعدادی از این ناراضیان در چند گوشه مسجد هرازگاهی با ایجاد سرو صدا سعی میکردند به کانون توجه حاضرین و مقامات قوه قضاییه در جلسه تبدیل شوند

حضور مردم و نامه های آنان به رییس قوه قضاییه به حدی بود که از همان بدو ورود وی به سنندج خیل عظیمی از نامه ها بوسیله ی محافظان و همراهان آیت الله هاشمی شاهرودی جمع آوری شد."

همین گزارش سایت حکومتی نشان میدهد که اعتراضات مردم سنندج در چه ابعادی و تا چه حد مقامات رژیم اسلامی مورد نفرت مردم هستند. جمهوری اسلامی و سران جانی این رژیم باید به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. این جانباں را باید به زیر کشید و عزیزان در

بند را از چنگ آنها آزاد کرد. کمیته کردستان حزب این اقدام جسورانه و این درایت و همبستگی مردم سنندج را ارج مینهد. لغو احکام کارگران بازداشتی اول مه پارسال را به همه مردم و کارگران و بویژه به فعالین کارگری سنندج تبریک میگوید. این پیروزی باید سر آغاز تعرض مردم و کارگران به رژیم اسلامی برای آزادی همه زندانیان سیاسی از جمله کارگران بازداشتی اول مه امسال جوانمیر مرادی و طه آزادی باشد. یک بار دیگر ما این پیروزی را به همه کارگران و مردم سنندج تبریک میگوییم.

کمیته کردستان حزب

کمیونست کارگری ایران

۲ خرداد ۱۳۸۷

۲۲ مه ۲۰۰۸

گذشتن این احکام برای ۵ نفر از آنان ضرب و شتم کارگران هنگام اعتراض برای خواستهایشان و نمونه اخیر آن حمله به کارگران کیان تایر که برای دستمزدهای پرداخت نشده خود تجمع کرده بودند و نیز تهدید و فشار هر روزه بر رهبران و فعالین کارگری از طریق اخراج از کار و احضار به دادگاه و غیره، نظیر آنچه بر سر کارگران سندیکای شرکت اتوبوسرانی واحد در تهران آمد و امروز بر سر کارگران در نیشکر هفت تپه آورده است، و صدها مثال دیگر، خواهان اخراج فوری جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار آی ال او است.

کمیته همبستگی بین المللی کارگری بار دیگر بر عاجل بودن یک کمپین همبستگی جهانی برای آزادی فوری دستگیر شدگان اول مه، شیث امانی، جوانمیر مرادی و طه آزادی، تاکید دارد.

هماهنگ کننده کمیته همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ مه ۲۰۰۸
۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۸

قید و شرط از زندان آزاد شوند.

۳- رژیم اسلامی هم اکنون ۵ نفر از کارگران نیشکر هفته تپه در شهر شوش در جنوب ایران را به جرم مبارزه برای خواستهای برحقشان برای ۲۰ مه (۳۱ اردیبهشت) به دادگاه احضار کرده است. هر گونه فشار و تهدید بر روی رهبران کارگران ممنوع است و باید این فشارها فوراً متوقف شود. باید پرونده ۵ کارگر نیشکر هفت تپه، آقایان جلیل احمدی، فریدون نی‌کوفرد، احمد نجاتی، قربان علی‌پور و محمد حدیدی مهر، باطل شود و حکم احضار آنها به دادگاه فوراً لغو شود.

۴- کمیته همبستگی بین المللی کارگری به دلیل نقض پایه ای ترین حقوق کارگران در ایران توسط جمهوری اسلامی، از جمله دستگیری کارگران به جرم شرکت در مراسم اول مه یکسال محکومیت زندان برای محمود صالحی و امسال دستگیری کارگران در مراسم اول مه در سه شهر سنندج، اشنویه و عسلویه در کردستان و در جنوب ایران صدور احکام شلاق برای کارگران دستگیر شده اول مه سال گذشته و به اجرا

به سازمانهای کارگری در سراسر جهان

با کمپینی جهانی، برای آزادی فوری دستگیر شدگان اول مه در ایران، جوانمیر مرادی، شیث امانی و طه آزادی، تلاش کنیم

جوانمیر مرادی را ضبط کرده است و با ندانن دارو به وی که از بیماری مغزی و عصبی رنج میبرد و بنا به تجویز پزشک باید روزانه به وی برسد، جوانمیر را زیر شکنجه جسمی قرار داده است. بعلاوه وضعیت ناروشن این کارگران و عدم اجازه ملاقات با آنان بر ابعاد نگرانی ما افزوده است. کمیته همبستگی بین المللی کارگری بر خواستهای زیر تاکید دارد و انتظار بیشترین حمایت ها را از سوی اتحادیه ها و سازمانهای کارگری در سراسر جهان دارد:

۱- برپایی اول مه روز جهانی کارگر حق پایه ای و مسلم کارگران است. دستگیری کارگران در این روز و رفتار وحشیانه رژیم اسلامی در زندان با این کارگران محکوم است.
۲- شیث امانی، جوانمیر مرادی و طه آزادی و نیز منصور اسانلو، که اکنون نزدیک به ده ماه است در زندان است، باید فوراً و بدون

کارگران، کمپینی اعتراضی را در دستور گذاشته و تا کنون طی گزارشات ارسالی خود تلاش کرده است که تمامی اتحادیه های کارگری در سراسر جهان را از وضع کارگران دستگیر شده اول مه مطلع نگاه دارد. همچنین از سوی خود اتحادیه آزاد کارگران ایران مرتباً اخبار مربوط به این کارگران در سطح جهانی انعکاس یافته است. کمیته همبستگی بین المللی کارگری از همه اتحادیه ها و سازمانهای کارگری در سراسر جهان می خواهد که با اقدامی اضطراری و یک کمپین گسترده جهانی به جمهوری اسلامی فشار بیاورند تا کارگران دستگیر شده اول مه، جوانمیر مرادی، شیث امانی و طه آزادی، فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند. بویژه جوانمیر مرادی در وضعیت جسمی وخیمی بسر میبرد. اطلاعات جمهوری اسلامی حتی داروها و عینک

اطلاع دارید که رژیم اسلامی در اول مه امسال ۱۴ تن از کارگران را دستگیر و زندانی کرد. زیر فشار اعتراضات کارگران ۱۱ نفر از این کارگران آزاد شدند و هم اکنون سه نفر دیگر از آنان جوانمیر مرادی عضو هیات مدیره و طه آزادی عضو علی البدل هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران که تشکلی تازه تاسیس توسط خود کارگران است و نیز شیث امانی که رئیس هیات مدیره اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار بود و در ۲۳ آپریل (۴ اردیبهشت) قبل از اول مه روز جهانی کارگر دستگیر شده بود همچنان در زندانند. جرم این کارگران اقدام و تلاش برای برپایی مراسم اول مه، دفاع از حقوق کارگران و تلاش برای ایجاد تشکل کارگران است. این کارگران رهبران شناخته و محبوب کارگری هستند. کمیته همبستگی بین المللی کارگری از همان روز دستگیری این

مشخصات فنی: ماهواره هات برد

فرکانس ۱۲۳۰۳ مگاهرتز
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۳/۴

جلسات گفتگو با حمید تقوایی در چت روم اینسپیک و پالتاک، هر جمعه ساعت ۷ شب اروپای

